

دختران

عوامل و پیامدهای عدم

در افغانستان

حلیمه صدیقی

عضو اکادمی رهبری زنان

www.aseu.com

چکیده

یکی از موضوعات مهم و داغ که از سال ها به این طرف توجه همه را جلب نموده اند، این است که آیا زنان هم مانند مردان از حقوق و امتیازها برخوردار است و یانه؟ ، اسلام به زنان چی حقوقی را داده است؟، آیا در اسلام حق کار، تحصیل برای زنان هم داده شده است؟

اسلام دین جامع، کامل و همه جانبه است که در تمام ابعاد زندگی انسان و در هر شرایط و زمان مطابقت دارد، پس چطور ممکن است که حق زنان که نصف جمعیت جهان را تشکیل میدهد را ضایع کند؟

قبل از ظهور دین مقدس اسلام، ظلم و استبداد و به خصوص حق تلفی برای زنان به اوج خود بود تا حد که وجود دختر مایه ننگ یک خانواده بود و آنها از تولد دختر شرم سار میشدند و دختر را زنده به گور میکردند. جامعه مردسالار بود و حق نصف جامعه پامال بود ولی همه این مشکلات و حتی هزاران مشکل دیگر که باعث بی عدالتی و بی انصافی بود از بین رفت، آموزه های دینی جای آنها گرفت که در آن حتی هیچ انسانی تلف نشده است و به هر انسانی ارزش والایی داده است و انسان را اشرف مخلوقات خوانده است.

و معیار برتری در انسان ها را تقوا قرار داده است یعنی انسانی خوب و ارزشمند است که با تقوا باشد نه اینکه از قبیله یا قوم مشخص و یا از جنس مرد باشد.

جامعه امروزی که با افزایش افراد، پیشرفت های روز همراه است و زنان هم نصف این جامعه را تشکیل میدهد و بدون شک در این پیشرفت ها زنان هم شامل بوده است، پس این زنان باید مانند مردان از حقوق و امتیازات و تکالیف که انسان باید داشته باشد، برخوردار باشند.

ولی با تمام این ها باز هم کشور های وجود دارد که زنان از حقوق انسانی خود محروم اند و هنوز هم جامعه مرد سالار است مثل افغانستان و دیگر کشور های اسلامی که این حق تلفی ها با سو استفاده از دین صورت گرفته است و دیگر عوامل که در این مقاله به طور مفصل بحث کرده ایم، تا بدانیم چی عواملی باعث شده تا این حق تلفی ها به خصوص چی عواملی باعث عدم تحصیل دختران در افغانستان شده است؟ و چی پیامد های این عدم تحصیل دختران خواهد داشت و همچنان در مورد اینکه چی راهکاری می تواند برای حل این مشکل وجود داشته باشد، در این مقاله جاگزین شده است.

کلید واژه: اسلام، تحصیل، زنان، افغانستان، پیشرفت

مقدمه:

حق تحصیل امروزه در اولویت حقوق شهروندان کشورها قرار دارد و من تلاش کردم تا مطابق به شرایط امروزی افغانستان که بیشتر از یک سال میشود در افغانستان دختران صنوف شش به بالا اجازه رفتن به مکاتب و تحصیل را ندارند و این مانع از سوی دولتی صورت میگیرد که ادعای تاسیس یک حکومت اسلامی را دارند، لازم دانستم تا سیری به اسلام داشته باشیم و این موضوع را ریشه یابی کنم که آیا واقعا تحصیل دختران از لحاظ شرع مشکل دارد؟ اسلام در مورد تحصیل چگونه یک دیده گاه دارد؟ حق کار و تحصیل برای زنان در اسلام و در جامعه امروزی چگونه است؟ و همچنان روی عوامل و پیامد های عدم تحصیل دختران در افغانستان بحث نمودم و امید دارم این مقاله برای خواننده های عزیز مفید واقع شود. برای اینکه افغانستان یک جامعه سنتی و در عین حال کشور اسلامی است، هر سخن که به نام دین برایشان گفته شوند، می پذیرند. و برای همین است که تقریبا نصف مردم افغانستان از این عدم تحصیل راضی اند به خصوص در مناطق دور دست کشور مردم موانع فرا روی دختران را هر روز بیشتر می سازند و این در حالی است که نظام کنونی از این عمل اشتباه شان حمایت میکند. از این لحاظ لازم دانستم که این مقاله را بنویسم که از چندین منبع و همچنان از واقعیت های موجود در کشور استفاده شده است. به امیدی که این مقاله در فهم و درک شرایط کنونی و در حل مشکلات امروز کمک اندک کند، حد اقل شروع آن از فرد و از خانواده باشد و بعد گسترش پیدا کند.

جایگاه تحصیل در اسلام:

گذشته از اینکه روی جنسیت تمرکز کنیم، ابتدا جایگاه تحصیل در اسلام برای عموم انسان ها مورد بحث قرار می‌دهیم. این غیر قابل انکار است که اسلام دین جامع، کامل، دانایی، مهربانی، کمالگرایی، جهان شمول و همه جانبه است که در آن آموختن علم از جمله موارد مهم بوده که به مرور زمان در حال پیشرفت می باشد. اولین آیه که برای رسول اکرم نازل شد با کلمه (اقراء) شروع شده است که ارزش خواندن و علم را نشان می‌دهد. "اقرا و ربك الكرم الذی علم بالقلم ، علم الانسان ما لم يعلم" (سوره فاطر: 28)

ترجمه: " بخوان، و پروردگار تو بس گرامی است. همان که انسان را آموزش داد. و به انسان چیزی را که نمیدانست آموخت." " انما یخشی الله من عباده العلموا" (سوره علق: 3-5)

ترجمه: " از میان بندگان خداوند تنها دانشوران از او خوف و خشیت دارند."

خداوند متعال رسولش را به خواندن تشویق نمود تا ارزش های دینی، قرآن کریم، آموزهای دین مقدس اسلام به نسل ها بعد انتقال پیدا کند و همه مسلمانان به مسایل دینی دانایی داشته باشند و از آن برای پیشبرد زندگی و همچنان ترقی جامعه استفاده کنند. و بعد ها آیات متعددی برای تشویق مسلمانان در راه فراگیری علم و دانش بیان شده است، از جمله: "قل هل یستوی الاعمی والصیر ام هل تستوی الظلمات و النور..". (سوره رعد، 13)

ترجمه: "بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟، آیا ظلمات و تاریکی جهالت با نور علم و معرفت مساوی است؟"

"هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما یتذکر اولوا الالباب" (سوره زمر، 9)

ترجمه: "آیا آنان که به سلاح علم مجهزند با آنان که با جهل و نادانی دست به گریبانند، با هم برابرند؟"

و بسیاری از آیات دیگر هم است که در همه آن ها خداوند متعال تمام انسان و به خصوص مسلمانان را به آموختن علم دانش و یادگیری تشویق نموده است. و همچنان رسول گرامی اسلام در احادیث زیادی به اهمیت علم و دانش اشاره نموده است و در دوران حیات شان مسلمانان را تشویق به یادگیری مینمودند.

پیامبر ص میفرماید: "طلب العلم فریضه علی کل مسلم"

ترجمه: " آموختن علم بر هر مسلمان فرض است."

پس حالا میدانیم که علم و دانش در اسلام از جایگاه بالای برخوردار است، به وسیله همین خواندن و نوشتن بوده که امروز قرآن کریم بعد سال ها هنوز هم در دسترس ما قرار دارد و همچنان احادیث رسول الله که و شیوه های زندگی شان در کتاب های متعددی نقل شده و تا به امروز برای ما رسیده است.

و این را باید دانست که همه این آیات که در اینجا بیان شد به صورت عمومی بوده است و هیچگاه بیان نشده که فقط برای مردان آموختن علم و دانش فرض است، یا فقط مردان با نور علم خود را از تاریکی و ظلمات جهل نجات بدهند، اگر اینطور میبود پس زنان از انجام بسیاری فرایض و واجبات فارغ بودند، پس اصلا اینطور نیست جامعه که از زنان و مردان تشکیل شده اند باید با تلاش هر دو به ترقی برسد و این حق هر انسانی است، در جامعه که زندگی میکند برای رفاه و آن تلاش کند.

در صدر اسلام زنان وجود داشت که از سواد خواندن و نوشتن برخوردار بودند و رسول گرامی اسلام هیچگاه مخالف آنها نبوده است از جمله:

1. شفا دختر عبدالله بن عبدشمس یک زن قریشی بود که دوره جاهلیت مقارن ظهور اسلام خواندن و نوشتن را میدانست و از جمله مهاجران اولیه و زنان فاضله به شمار میرود.
2. حضرت عایشه صدیقه دختر حضرت عمر و همسر پیامبر گرامی اسلام، ایشان همیشه مسلمانان را در امور دینی ارشاد و رهنمایی میکردند و از رسول الله ص احادیث زیادی را روایت نموده است. حضرت عایشه نه تنها در معارف اسلامی بلکه در طبابت و حساب نیز دسترسی داشتند و همواره صحابه کرام مسائیل متعلق به حساب و میراث را از وی میپرسیدند.
3. حضرت حفصه دختر حضرت عمر، یکی از زنان فقهی و برجسته ی عصرشان بودند.
4. حضرت ام سلمه نیز یکی از زنان تاریخ ساز در عرصه ی فراگیری و تعلیم و آموزش علوم اسلامی بودند.
5. فاطمه بنت قیس در مکالمه بالدلائل مهارت داشتند.
6. ام سلیم در دعوت و تبلیغ مهارت بالای داشتند.
7. ام دردا، در ساینس.
8. و بعد حضرت زینب که در واقعه کربلا، تبلیغ نمود.
9. حضرت فاطمه زهرا

10. حضرت بی بی خدیجه کبرا همسر پیامبر گرامی اسلام که در آن زمان تجارت مینمودند و سرمایه خود را در راه اسلام به مصرف رسانیده اند.

همینطور که در ابتدا گفتیم اسلام دین کامل و جامع است، مخالف حق خوری، جهالت و بی انصافی میباشد. برای همین آموختن علم و دانش برای هر فردی چه مرد یا زن از نظر اسلام جایز است و برای داشتن یک جامعه عاری از فساد، بی عدالتی و جهالت باید هر فرد جامعه از حقوق انسانی خود برخوردار باشند، گذشته از اینکه بعضی حقوق و مکلفیت های برای زن و همینطور برای مرد نظر به مقتضای طبیعت شان داده شده است که باید انجام دهند، زیرا بعضی از کارها و تکالیفی است که هر کدام باید وظیفه بنیادی خود را انجام بدهد. و اما هیچ مسلمانی حاضر نیست مخالف معتقدات اسلام باشد فقط میخواند از حقوق انسانی خود برخوردار باشند، و همین برای یک جامعه اسلامی و مسلمان ها نیاز است تا پیرو معتقدات اسلامی باشند و از افراط گری و خرافات های ساخته شده دوری ورزند.

و ناگفته نباید گذاشت که در قوانین کشور ما نیز حق تعلیم و حق کار برای هر شهروند افغان داده شده است.

ماده چهل قانون اساسی: "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است...."

ماده چهل و هشت قانون اساسی: "کار حق هر افغان است...."

ماده سه قانون اساسی: "هیچ قانونی نمیتواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد."

جایگاه تحصیل در جهان امروزی:

جهان امروز، یک جهان پیشرفته، مجهز با تکنولوژی، علوم اجتماعی و انسانی پیشرفته و همچنان همیشه در حال پیشرفت و جستجوی راه های ساده و آسان برای زندگی است. اسلام هیچگاه از جهان جدا نیست و نبوده، و باید گفت که بسیاری از این پیشرفت ها توسط دانشمندان اسلامی صورت گرفته است و طبق تحقیقات که بعد هر کشف جدیدی صورت میگیرد، انسان ها پی میبرند که سال ها قبل در قرآن کریم ذکر شده است ولی چرا هنوز هم جوامع اسلامی نسبت به بسیاری از کشور غیر اسلامی عقب مانده تر و کم تر پیشرفت کرده است.

عقیده های غلط و برداشت های اشتباه از مفاهیم اسلامی همیشه توسط دشمنان اسلام از آغاز و حتی تا امروز نشر میشود و هزاران خرافات که به اسلام هیچ ربطی ندارد، از جمله میتوان عدم تحصیل دختران و عدم حق انتخاب همسر را مورد بررسی قرار بدهیم، همانطور که در عنوان قبلی بیان نمودیم که اسلام آموختن علم را برای هر فرد مسلمان فرض گردانیده است و هیچگاه مانع علم و پیشرفت در جامعه نبوده است ولی هنوز هم در بسیاری از جوامع اسلامی دختران حق تحصیل

ندارند، یا این همه پیشرفت های که صورت گرفت باید دانایی بیشتر میشد و جامعه به سوی روشنایی سوق داده شود ولی یک عده عقیده های از زمان قبل از اسلام تا امروز است که یک عده اشخاص فقط چشم بسته از پدران خود به میراث برده اند و کورکورانه برای حفظ آن حتی جان خود را میدهند، حتی میتوان گفت جان خیلی انسانهای دیگر را هم میگیرند ولی قادر به فهم موضوع نیستند.

پیشرفت های جهان برای همه هویدا است که تغییرات خیلی زیادی و کشفیات جدیدی به وجود آمده اند. ولی به نظر بنده در دنیا یک اصل به نام اصل بقا وجود دارد یعنی ممکن خیلی چیزهای جدیدی در دنیا به وجود بیاید ولی چیزهای که از ابتدا بوده اند هیچگاه از بین نمیروند، یا به شکل خود و یا اشکال دیگری میباشند، مثلاً: انسان ها از دنیا میروند در خاک دفن میشوند، به خاک بر میگردد و از خاک نباتات استفاده میکنند و بعد دوباره از نباتات انسان و یا حیوان ها استفاده میکنند و این دوران همیشه وجود دارد.

و یا افکار مقید کردن دختران هنوز هم وجود دارد، علم و جهان و افراد جدیدی هر روز در جامعه اضافه میشوند ولی هنوز هم ما همان عقاید قبل از اسلام را در بسیاری در مناطق داریم شاید کم تر ولی وجود دارد. ولی برای حل آن و یا حد اقل کم کردن آن همیشه باید تلاش کنیم تا جامعه بهتری داشته باشیم جامعه که بر علاوه پیشرفت در خانه ها، ساختمانها و در شکلیات دنیا، در عقاید مردم نیز تغییرات بیابند ولی آن تغییرات به صلاح همه باشد و موافق عقاید انسانی و عقاید حقیقی اسلامی باشد.

عوامل عدم تحصیل دختران:

1. باورهای غلط که از قبل وجود داشته اند: همانطور که در بحث های ابتدایی گفتیم اصل بقا باعث شده تا هنوز هم بعد گذشت صد ها سال مردم در باور های گذشته و اشتباه خود غرق هستند که این باور ها را از بزرگان خود به میراث برده اند و به احتمال زیاد به نسل های بعدی هم انتقال پیدا میکند و اما اگر جلو آن گرفته شده و به جای آن حکومت تلاش کند تا همه مردم تحصیل کنند و به باور های اشتباه خود پی برده از طریق علم و دانش راه های درست را پیدا کنند و با کوشش همه مردم با یکدیگر میشود جلو این باور ها را گرفت و به جای آن انسان ها خودش جستجو کند، بیاموزد و تحقیق کند به اساس خرد و عقل خود به واقعیت های موجود پی ببرد که برای همه مفید خواهد بود و باعث رشد جامعه خواهد شد.
2. تبعیض: تبعیض یکی از مشکلات عمده اکثر کشور های جهان میباشد و به خصوص کشور های جهان سوم مانند افغانستان و اکثر کشور های دیگر. برای ریشه کن ساختن تبعیض کشور ها تلاش های زیادی انجام داده اند تا

دیگر هیچ شخصی بخاطر جنسیت، رنگ پوست، قوم و... از حقوق انسانی خود محروم نباشند. از جمله میتوان به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان یک معاهده بین المللی است که در 18 دسامبر 1979 در مورد پذیریش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و در 3 سپتامبر 1981 به اجرا در آمد. و بسیاری از قوانین داخلی و بین المللی است که خواهان منع تبعیض شده است.

3. کمبود مراکز تعلیمی: در مورد اهمیت تحصیل و جایگاه آن در اسلام و جهان در ابتدا بحث نمودیم و دانستیم که همه انسان ها باید حق تحصیل و آموزش را داشته باشند تا در پیشرفت های جامعه و زندگی افراد جامعه موثر واقع شود، اما هنوز هم کشور های وجود دارد که در بعضی از مناطق آن مردم از به کمبود مراکز تعلیمی، کمبود معلم و مواد درسی روبرو هستن و این وضع باعث شده تا آنها نتوانند از حق تحصیل بهره مند شوند. در بعضی جاهای که به این کمبود ها مواجه نیستند، خانواده های سنتی دختران شان را برای تحصیل اجازه نمیدهند و این در حالی است که در قانون کشور ما تحصیل و کار را حق هر افغان دانسته است یعنی حتی در نظام جمهوری که قانون اساسی عملا وجود داشت و باید عملی میشد باز هم دخترانی وجود داشت که اجازه تحصیل را نداشتند و زنان وجود داشت که اجازه کار کردن را نداشتند. اما در نظام کنونی که طالبان حکومت میکنند همه دختران حق تحصیل از صنف شش به بالا را ندارد و این حق تلفی ها که ریشه در برداشت های آنان از اسلام دارد باعث شده تا دختران از حقوق شان استفاده کرده نتوانند.

4. ناامنی: کشور ما که سال های جنگ را تجربه کرده است، مردم از ترس جان خود و اعضای فامیل خود به آن ها اجازه رفتن به مکاتب و دانشگاه ها را نمیدهند. و این در حالی است که بسیاری از حملات انتحاری و حملات مسلحانه در مراکز آموزشی و مساجد بوده اتفاق افتاده است. مردم از ترس اینکه فرزندان خود را از دست ندهند هم مانع تحصیل شان میشود.

5. فقر: یکی دلایل و عوامل عمده موانع تحصیل دختران و حتی پسران فقر است. فامیل های در کشور ما وجود دارد که نان آور خانه خود را در جنگ ها و یا حملات انتحاری و یا حملات مسلحانه از دست داده اند و این باعث شده تا اطفال خورد سال به جای رفتن به مکتب و درس، کار کنند و برای فامیل خود نانی برای خوردن پیدا کنند. و این وضع در کشور ما هر روز بیشتر میشود یعنی موجودیت فقر باعث مشکلات زیاد شده است حتی بعضی ها دست به اعمال مثل سرقت و کار های خلاف میزنند و یا اطفال را مجبور به سرقت میکنند.

6. برداشت های اشتباه از دین و عدم آگاهی از دین و بحث های حقوق بشری: همانطوریکه بیان شد دین مخالف تحصیل و کار نیست نه برای زن و نه هم برای مرد بلکه اسلام انسان ها تشویق میکند تا علم بیاموزند و

بیاموزانند. اما از آن جای که پیداست امروزه از نام دین استفاده میکنند و اعمال به خواست خودشان را انجام میدهند از آن جمله مانع تحصیل دختران شدن، مانع کار زنان شدن حتی مانع هنرهای رسامی و... هستند. تمام این برداشت های اشتباه یا برگرفته از این است که مردم هنوز هم عقاید اشتباه را از نسل های قبل تا به حال دنبال کرده اند و یا هم این عقاید توسط دشمنان اسلام آموزش داده میشود که روز به روز مدرسه های تدریسی آنها زیاد میشوند و بالای تغییر عقاید آنها کار میکنند.

7. بیسوادی: یکی از عوامل عمده ای بسیاری مشکلات در جامعه بیسوادی میباشد، هر قدر این بیسوادی بیشتر شود مشکلات بیشتر میشود. و کشور ما بخاطر بسیاری از مشکلات از جمله عدم تحصیل دختران بخاطر تبعیض، فقر ... نمیتوانند علم بیاموزند و در این صورت آمار بیسوادی در جامعه زیاد میشود. خانواده های بیسواد معمولاً مانع تحصیل دختران خود بخاطر عرف های اشتباه، حرف مردم، بخاطر عقاید خودشان و ... میشوند.

8. عرف و رسوم های اشتباه: بعضی از رفتار های اشتباه که در گذشته ها وجود داشته اند، نسل به نسل همانطور انتقال پیدا کرده اند در یک منطقه و یا جای وسیع تری عملی میشوند و مردم به آن پایبند اند، مثلاً ازواج های قبل وقت دختران یعنی در سن کم و یا کار نکردن زنان بیرون از خانه و صدها رسم و رسوم که زندگی انسان ها تباہ نموده اند ولی باز هم اکثریت مردم آن را انجام میدهند.

9. حکومت داری خراب: همانطوریکه همه میدانند نقش حکومت در پیشرفت زندگی مردم جامعه و همچنان در پیشرفت و ترقی کشور رول مهم دارد برای همین لازم است تا حکومت داری طوری باشد که حقوق همه شهروندان کشور را تامین کرده بتواند و در از بین بردن عرف های اشتباه تلاش کند تا با حفظ ارزش های جامعه در ترقی آن گام بردارند.

10. کم توجهی جامعه بین الملل: کشور ها جز از جهان است و اگر در کشوری حق یک جنس و یا قوم یا قبیله تلف میشود، باید حقوق بشر و جامعه بین الملل در آن مداخله داشته باشد تا حقی کسی تلف نشود و نسل کشی که جز از جرایم بین المللی است توقف پیدا کند.

پیامد های عدم تحصیل دختران:

در جامعه که هم مردان و زنان زندگی میکنند، نیازمند اشتراک هر دو برای رفاه جامعه، رفع نیاز های مردم میباشد. همانطوریکه مردان در جامعه نیازمند های از قبیل: معالجه، تعلیم، کار، امنیت، آرامش و... دارد، یک زن هم همین حق ها را دارد و از آن جای که معلوم است در جامعه اسلامی و سنتی، مناسب نمیدانند تا زن در نزد داکتر مرد معالجه شود و بسیاری

از آموزش های را که مخصوص خانم هاست نمیتواند در نزد مربی مرد فرا بگیرد، پس حق تعلیم برای زن لازم است تا در جامعه داکتر زن وجود داشته باشد و زنان را معالجه کند، معلم زن وجود داشته باشد تا دختران بتوانند در نزد آنان علم بیاموزند، حقوق دان زن وجود داشته باشد تا زنان و دختران مشکلات حقوقی خود را به راحتی به آن ها گفته بتوانند و به حل آن بپردازند، به وکیل زن نیازمند است تا مشکلات زنان را بهتر درک کند و به حل آن بپردازد و در تمام بخشها همین نیازها مطرح است چون زنان هم مانند مردان انسانند و همانطور که در شروع مقاله گفتیم بهترین انسان ها با تقوا ترین آنهاست و جنسیت، نژاد، قوم، قبیله، رنگ پوست ... هیچ کدام اینها معیار برتری نیست و نخواهد بود. با این تفکر که امروزه ما در کشور خود روبرو هستیم (امارت اجازه تحصیل دختران بالا تر از صنف شش را نمیدهند و منوف دختران و پسران در دانشگاه ها جدا شده است).

برای صنف های که دختران جداگانه درس میخوانند باید معلمین زن وجود داشته باشد و این تنها برای فعلا نیست بلکه نیازها برای سال های بعد هم خواهد بود پس لازم است دختران امروز تحصیل کنند تا دختران آینده را آموزش بدهند و معالجه کنند و نیازهای شان را برآورده بسازند.

عدم تحصیل دختران، درنظر نگرفتن نیم جامعه است و جهل آنها باعث فلج جامعه میشود، دختران امروزی که از حق خود باز مانده اند و آرزوهای شان به فنا رفته اند، هرگز مادران خوبی برای فرزندانشان بعدی نخواهند بود. و ادامه این وضع سبب عقده های زیادی خواهد شد که روزی واکنش آنها به ضرری خیلی ها تمام خواهد شد، حتی ممکن به ضرر کسانی که مقصر نبوده اند و همچنان باعث افزایش افسردگی در بین زنان میشود.

در ابتدا بحث هم دانستیم که اسلام مخالف تعلیم زنان نبوده و نیست و همچنان هیچگاه بی عدالتی را نمی پذیرد، در اسلام آموزه های زیادی برای زندگی مسالمت آمیز در جامعه است که میتواند برای همه ای مسلمانان کمک کنند ولی یک عده فقط یک بخش دلخواه مسایل اسلامی را میخوانند و تطبیق میکند، اصلا در جستجوی مسایل کامل در اسلام نیستند برای همین لازم است تا همه به حقوق انسانی و فطری خود مطابق موازنه های اسلامی برسند ، بدون شک که اسلام دین عدالت و برادری و برابری است.

زمانیکه اسلام ظهور کرد مردم را از تاریکی های ظلمت نجات داد و باورهای اشتباه انسان ها را از بین برد و به آنها آموختاند تا با عدالت، انصاف، مهربانی و تعاون با همدیگر رفتار کنند و حق هیچ کسی را پامال نکنند ولی امروز خیلی از نام اسلام استفاده کرده بالای مردم ظلم میکنند و حق آن ها را میگیرند و باعث تداوم جهل و تاریکی در جامعه میشود. این اوج ظلمت، جهالت و تاسف برای یک جامعه اسلامی است.

هر کسی که به اسلام میپیوست به دلیل همین خصوصیات نیک اسلام بود که بدون جبر اسلام را میپذیرفت و به احکام آن که مطابق سرشت انسانی است عمل مینمود، ولی امروزه اسلام را طوری به تصویر کشیده اند که خیلی ها ازینکه در جامعه اسلامی زندگی میکند در وحشت اند و خیلی های دیگر از پذیریش اسلام منصرف میشوند، بدتر از این چی عواقبی میتواند باشد.

انسان های جامعه نیازمند اصلاح است و نیاز است ارزش های حقیقی اسلامی حفظ و عملی شوند تا حق کسی پامال نشود و باعث حفظ کرامت انسانی شود. و همچنان اگر این وضع ادامه پیدا کند باعث عقب ماندگی جامعه و افزایش سطح بیسوادی و همچنان باعث پامال شدن حق زنان میشود.

پیشنهادات و راهکار ها:

1. بلند بردن سطح آگاهی افراد: قسمی که از ابتدا بحث عدم تحصیل دختران را ریشه یابی کردیم و یکی از عوامل آنرا عدم آگاهی افراد جامعه گفتیم پس لازم است تا برای رفع این مشکل برنامه های برای بلند بردن سطح آگاهی افراد وجود داشته باشد و این آگاهی دهی ها میتواند از راه های مختلفی انجام شود از جمله از طریق رسانه ها، پوستر ها ، از طریق مکاتب و دانشگاه ها، مدارس دینی و مساجد انجام شود. مردم را آگاه بسازند تا دین را به اشتباه نگیرند و با سو استفاده از آن حق تلفی نکنند و زندگی خود و دیگر افراد را در جامعه تلخ و تباه نسازند.
2. فراهم کردن زمینه تحصیلی مناسب: ارزش تحصیل که در مورد اش به طور کافی بحث کردیم برای همه هویداست، پس دولت باید زمینه های تحصیل را برای همه ای مردم (دختران و پسران، زنان و مردان) و همه مکان ها(حتی در مناطق دور از شهر) فراهم کنند. در زمان که ما زندگی میکنیم بدون تحصیل زندگی کردن برای انسان عیب بزرگیست، وجود مکان برای تحصیل در همه جا باعث میشود سطح دانش و آگاهی افراد بلند برود و جامعه روز به روز به سوی ترقی و پیشرفت برود و با نور دانش منور شود.
3. حکومت داری خوب : همانطور که حکومت داری خراب در افزایش مشکلات و دور شدن مردم از حقوق شان رول دارد یک حکومت داری خوب میتواند این نواقص را جبران کند، دولت و حکومت باید همواره با مردم و برای مردم باشد و مشکلات مردم را حل کند. در مورد تعریف حکومت یا دولت و یا هم مفاهیم همچون سیاست نظریات زیادی داده شده است ولی برای کشور که اسلامی باشد و ادعای این دارد که احکام اسلامی را تطبیق میکنیم، حکومت داری باید فقط خدمت به مردم و برقراری عدالت و انصاف در میان مردم باشد.

4. توجه عمده بین الملل به زنان محروم از حقوق شان: نادیده گرفته شدن یک جنس در کشور موضوع خیلی عمده ای است که سازمان های بین المللی، کشور های جهان باید با همدیگر همکاری نمایند و حق یک قشر دفاع کنند چون هر فرد جز از جهان است و افغانستان از جمله کشور های است که اکثریت معاهدات و کنوانسیون های بین المللی را پذیرفته است ، پس وقتی در اینجا حق نقض میشود، باید مورد بازپرسی جامعه بین المللی قرار بگیرد و از نقض تعهدات جلوگیری شود.

5. ریشه کن ساختن تبعیض: مشکل بزرگ که ما سال ها با آن در کشور خود روبرو هستیم و این مشکل باعث از بین رفتن همدیگر پذیری و اتحاد مردم کشور ما شده است، برای همین امروز بعد ها سال ها مبارزه باز هم نتوانستیم یک کشور متحد و پیشرفته داشته باشیم. این تبعیض میتواند تبعیض قومی باشد یا زبانی، مذهبی، نژادی، جسیتی باشد که متأسفانه ما همه این تبعیض ها را در کشور خود داریم و تا زمانیکه این تبعیض ها از بین نرود، آبادی کشور ناممکن است و باید گفت که ریشه کن شدن تبعیض توسط مردم و دولت یکجا ممکن است یعنی هم مردم و هم دولت متحد شوند و برای ریشه کردن آن تلاش کنند و حتی ما میتوانیم شروع کننده ای آن باشیم و از خود شروع کنیم و بعد از فامیل خود تا آهسته آهسته تبعیض را از بین ببریم. افراد یک کشور رکن اساسی کشور هاست و اگر افراد کشور یکجا و متحد باشند از عهده ای هر کاری برآمده میتوانند.

نتیجه گیری:

قبل از اسلام مشکلات و حق تلفی های زیادی وجود داشت از جمله میتوان به نقض حقوق زنان اشاره کرد، آنها به زنان هیچ ارزشی قایل نبوده اند، حتی زنان را مانند اموال خرید و فروش مینمودند. و همچنان در بعضی از مناطق داشتن دختر ننگ بزرگی به شمار میرفت برای همین آن ها دختران را زنده به گور میکردند، از حقوق انسانی، میراث و حتی میتوان گفت از حق زندگی با آرامش محروم بوده اند ولی با ظهور دین مقدس اسلام، خداوند متعال به انسان ارزش والای داده است و آنها را اشرف مخلوقات قرار داده است. هیچ فرقی در بین زن و مرد قایل نشده است مگر در موارد که با مقتضای طبیعت اش مخالف باشد. و همچنان در اسلام برای زنان حق کار و تحصیل نیز داده شده است و اینرا میتوان از زنان شاغل و تحصیل کرده زمان پیامبر گرامی اسلام دانست، به طور نمونه حولا دختر توییت در آن زمان عطر فروش بود ، منشم نیز در مکه عطر فروشی مینمود، بی بی خدیجه کبرا همسر پیامبر گرامی اسلام تجارت پیشه بود و اموال خود را در راه اسلام مصرف نموده بود، خانم به نام ردینه به اسلحه سازی مشهور بود، بی بی عایشه زن با سواد بود که بیش از هزار حدیث از پیامبر گرامی اسلام روایت کرده است و همچنان در حساب هم میفهمید برای همین در مسایل میراث بیشتر به این بانوی بزرگوار رجوع میکردند.

در اسلام معیار برتری هر انسانی فقط تقوا است و هیچگاه رنگ، نژاد، قبیله و جنسیت معیار قرار نداده نشده است و زن بودن جرم و یا گناه نیست که جزای آن نقض حقوق و عدم تحصیل باشد. برای همین یک حکومت اسلامی باید عدالت اسلامی را برقرار کند و به همه شهروندان حقوق و امتیازات قایل باشد.

عدم تحصیل دختران در افغانستان یکی از مشکلات عمده امروزی است که باید جلو آن گرفته شود و بیشتر ازین با استفاده از نام دین بی انصافی و حق خوری صورت نگیرد.

مانع و ماخذ:

1. قرآن کریم.
2. وزارت عدلیه، (1382)، قانون اساسی، جریده رسمی شماره (818)، کابل مطبعه دولتی.
3. ناصر، ابراهیم، (1394)، منشور حقوق زن و وظایف وی در اسلام.
4. الهامی، داوود، (1378)، علم آموزی زن از دیدگاه اسلام، موجود در: <http://ensani.ir/fa/article/53813>
5. اوالحرار رامزپور، محمد، (1397)، چاپ دانشگاهی.

با اظهار سپاس از موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان (AELSO) و اکادمی رهبری زنان که در راستای آموزش روش تحقیق و موضوعات مهم و ارزندهی دیگر به دانش ما افزودند و برای ما این تحقیق را سپردند تا بتوانیم به فهم خود بیفزاییم و همچنان برای خوانندگان تا جای مفید تمام شود.